

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**اصول و مبانی تصحیح نسخ خطی و
البلاغه تطبیق آن در نهج**

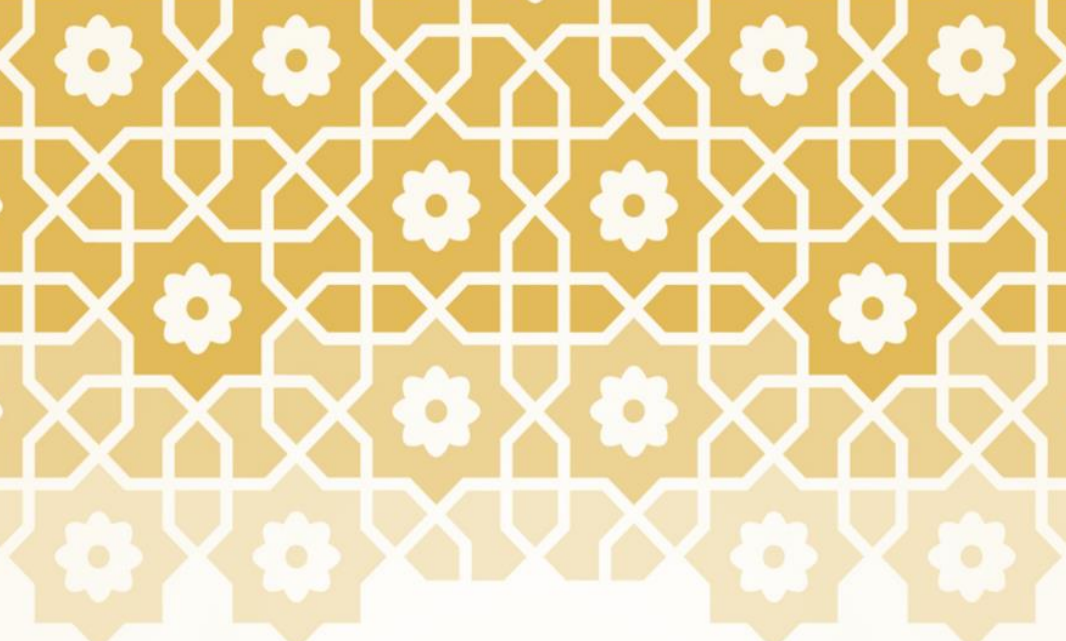
نام ارائه کننده:

حجت الاسلام شیخ قیس بهجت العطار

مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

- عقب‌ماندگی در تحقیق میراث فرهنگی ۴
- لوازم تحقیق ۹
- فضیلت ۱۰
- آگاهی از قوانین ۱۱
- تجربه ۱۲
- ویژگیهای نسخهٔ نفیس ۱۳
- قدمت ۱۴
- ضابط ۱۴
- زیبایی ۱۶
- نکات کاربردی بررسی نسخ ۱۹
- معنای ابن نقیب ۲۰
- مدل نقطه‌گذاری ۲۰
- بررسی خطبهٔ شش‌شقیه در نسخ مختلف ۲۳
- سؤالات



**عقب ماندگی در تحقیق
میراث فرهنگی**



بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين ابوالقاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعنه الدائم على اعدائهم اجمعين الى قيام يوم الدين.

بحث ما درباره تحقیق نسخه‌ها است. یک مقدمه کلی باید بگوییم که خیلی از میراث فرهنگی شیعه هنوز تحقیق نشده است؛ البته در این ۴۴ سال انقلاب الحمد لله خیلی‌هاش تحقیق شده است؛ چرا که قبلاً فرهنگمان در حوزه طوری بود که فقط فقه و اصول مهم بود. کسی که فقه و اصول بلد نیست، دیگر طلبه نیست. برود طور دیگری امرارمعاش کند، منبر برود و... به جوری که آقابزرگ تهرانی^۱، صاحب کتاب الذریعه می‌گفته است که این چیست؟ عمرش را تلف می‌کند. کاغذبازی می‌کند. الان همه علما نیاز دارند به کتاب الذریعه و طبقات شیعه، طبقات متأخرین، آقابزرگ را خدا رحمت کند، طبقات را مرتب کرده است؛ خلاصه این علم پیش ما جا نیفتاده بود؛ لذا می‌بینیم خیلی از نسخه‌ها همان طوری بدون تحقیق مانده است. همه را گردن خودمان نیندازیم. یک مقدارش امکانات نبود. گفتم وقتی انقلاب اسلامی شد، الحمد لله در جمهوری اسلامی خیلی از کتاب‌ها تحقیق شد و خیلی از نسخه‌ها به دست ما آمده است. این دو تا امکانات و سوم این که علم این قدر پیشرفت نکرده بود. الان می‌توانی خیلی قشنگ ببینی و بازش کنی و رنگی عکس بگیری.

من قبلاً یادم است یک نسخه کوچک، گفتند این را نمی‌شود به بیرون بدهیم. چه کار کنیم؟ ماه مبارک، طلبه جوان ۲۷ ساله،

۱. آقابزرگ تهرانی (۱۸ فروردین ۱۲۵۵ در تهران - ۱۲ اسفند ۱۳۴۸ در نجف)، معروف به صاحب الذریعه که نام اصلی او محمدمحسن بود و بعدها منزوی لقب گرفت، از دانشمندان کتابشناس قرن چهاردهم هجری است و با تألیف دائرةالمعارف بزرگ الذریعه و کتاب طبقات اعلام الشیعه گام بزرگی در شناسایی آثار و نسخ خطی اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم برداشت.

مجبور شدم با دوربین قدیمی، هر روز می‌رفتم و خودم می‌نوشتم. تا جایی که می‌توانستم و بعد به خانه برمی‌گشتم و دوباره می‌آمدم. این هم بود. یکی از علت‌ها، نه امکانات مدرن بود و نه امکانات مادی بود. من از خیلی قبل صحبت نمی‌کنم. اول طلبگی، دیوان مالک‌اشتر را خودم تحقیق و جمع‌آوری و شرحش کردم؛ باور کنید هزار جا التماس کردم که این کتابش خوب است، بیا چاپ کن. پول هم نمی‌خواهم. فقط چاپ بکنید. بعد یکی گفت امتحانی چاپش کنیم. الان چاپ سومش تمام شده است. هیچ‌کس اصلاً نمی‌دانست که مالک‌اشتر، ادیب است. خطبه‌های مالک‌اشتر نیز همین‌طور است.

خیلی از کتابخانه‌ها هم فهرست نشده است. هر کدام یک علت است که چرا کتاب‌هایمان چاپ نشده است. خیلی از کتاب‌ها در کتابخانه‌ها فهرست نشده است. مثلاً کتابخانه آستان مقدس رضوی، تا الان دارند خیلی‌هایش را فهرست می‌کنند. تا الان نشده است.

یک علت دیگر هست که بعضی نسخه‌های خطی، ملک شخصی است. مثلاً مال خاندان فلانی است؛ نمی‌شود به‌زور گرفت. خیلی نفیس است برایشان و به کسی نمی‌دهند. مشکل دیگر این است که این‌هایی که نسخه خر هستند. نسخه می‌خرند؛ ولی به کسی نمی‌دهند. یعنی یک نسخه منسوب به کراچکی^۱، صاحب استنصار، از علمای ما تا قرن ۴ و ۵، عکسش را می‌خواهد بدهد؛ می‌گوید هزار دلار. خب این امکانات را از کجا باید آورد. البته بعداً معلوم شد که جعلی است. باید تحقیق کرد. کراچکی یک اجازه به شاگردش داد و این خیلی نفیس است. من واقعاً

۱. ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی (یا کراچکی) (م ۴۴۹ق) از علمای شیعه در قرن چهارم و پنجم و از شاگردان شیخ مفید و شیخ طوسی است که برخی از علمای شیعه و سنی جایگاه علمی و شخصیت وی را ستوده‌اند. وی از اندیشمندان متأخر مکتب بغداد به‌شمار می‌رود.

مجبور شدم که به یکی از رفقایم برای این پول زنگ بزنم. گفت هزار دلار فردا به حسابت می‌آید. وقتی پول آمد به رفیقمان محمدحسین حکیم، نسخه‌شناس است؛ گفتم برو و نسخه را بررسی کن. وقتی بررسی کرد گفت جعلی است. بعضی‌ها این قدر خطشان زیباست و ورق و کاغذ قدیمی دارند؛ جعل می‌کنند نسخه را و اصلاً فکر نمی‌کنی.

علم تحقیق خودش یک علم گسترده است و اگر می‌خواهی شروع کنی باید زیر نظر استاد باشی. خودت هم باید همت داشته باشی و دنبال فهراس و کتابخانه‌ها بروی. احیاناً هم شانس است. یک نسخه صحیفه سجادیه کامل، خطاطی شده، طلاکوبی شده، فکر می‌کنید چند خریدم؟ چقدر می‌ارزد؟ ۳۰۰ سال پیش. خود اصل نسخه. ۵۰ هزار تومان. خود علامه امینی هم می‌گوید. قبلاً باقالی می‌فروختند یا نخود پخته، کاغذ را می‌پیچاندند و قیفی می‌کردند. در کاغذ می‌گذاشتند. علامه امینی در نجف راه می‌رفت. دید یک نسخه هست، سیاهی می‌زند، گفت این چیست؟ گفت این از کاغذهای... وقتی علامه امینی دید، بر سرش زد و گفت این فلان کتاب است، چه کار داری می‌کنی؟

بعضی‌ها، خودش عالم است؛ ولی نوه‌هایش ارزش کتاب را نمی‌فهمند. به همین جهت، گم می‌کنند. من یکی از علما را می‌شناسم، دو تا گونی تقریرات و تألیفات داشته است. خیلی زاهد و مقدس رضوان‌الله علیه، از خانه به خانه برای مستأجری منتقل شد. دخترش حوصله‌اش سر رفت و گفت چه گیرمان آمد؟ آن‌ها را جمع کرد و در رودخانه فرات انداخت. یکی دو تا سالم مانده است که آن‌ها را تحقیق کردم.

پس اینها علت‌های مختلف که میراث فرهنگی ما خیلی‌هایش مانده است. لاقلاً به سهم خودم می‌دانم به زبان عربی، خیلی‌ها

نشده است و بعضی‌ها شده است؛ ولی متأسفانه اروپایی‌ها برای ما تحقیق کرده‌اند؛ یا سنی‌ها کتاب‌های ما را تحقیق می‌کنند. اینها هم بدون غل‌وغش کار نمی‌کنند. یعنی زهر توی عسل می‌ریزند. تعلیقاتی می‌زنند، حذف می‌کنند. خیلی از کتاب‌ها مثل شرح نهج‌البلاغه مال ابن ابی‌الحدید، ۲۰ جلدی، من دو سالم بود این تحقیق شده است. سال ۱۹۶۵ میلادی یعنی ۴۴ هجری می‌شود و تا الان هم تحقیق نشده است. خب نمی‌دانم که بنیاد نهج‌البلاغه تهران، قم، مشهد چه کار دارند می‌کنند؟ نسخه‌های خوب و نفیس هم در آستان قدس دارد در حال حیات ابن ابی‌الحدید، یعنی قرن ۶، بعضی‌ها این قدر دقیق هستند که زیروزیر هم گذاشتند. این همت می‌خواهد. طلبه‌ها من نمی‌گویم درس‌هایشان را ول کنند. الان سر اصل حرف بر می‌گردم.





لوازم تحقيق



فضیلت

محقق سه چیز می‌خواهد. کسی که می‌خواهد محقق یا نویسنده محترمی بشود، سه چیز می‌خواهد. اول فضیلت، باید فاضل باشد یا دانشگاهی یا حوزوی است و حوزوی به نظر بنده باید حداقل ۵ سال درس خارج خوانده باشد. ابتدا نمی‌گویم، اگر می‌خواهی محقق ایده‌آل بشوی. ابتدا می‌توانی با نسخه‌های کوچک تمرین کنی. باید تمرین کنی. اول آدم آیت‌الله‌العظمی نمی‌شود. اول حجت‌الاسلام، حجت‌الاسلام والمسلمین، آیت‌الله، کم‌کم آیت‌الله‌العظمی می‌شود. این هم همین‌طور است؛ ولی اگر می‌خواهی یک چیزی را منتشر کنی، اگر می‌خواهی زیر نظر استاد نباشد و مستقل باشی؛ باید فضیلت داشته باشی و حداقل ۵ سال درس خارج [رفته باشی].

چرا، بعضی چیزها ضبط می‌کنی بدون توجه، تالی فاسد داشته باشد. یک تالی فاسد که متوجهش نمی‌شوی. وقتی از تو می‌پرسند برای سؤال می‌شود که چطور بود؟ الان من می‌بینم که رفقا و شاگردان، چیزهایی ضبط می‌کنند؛ مثلاً همین امروز یکی از رفقا کتاب حدائق الحقائق مال کیدری^۱، شرح نهج‌البلاغه، حضرت می‌فرمایند که من مثل کفتار نمی‌شوم که می‌زنند و می‌زنند که خودش می‌خوابد. گفتند که نجنگ. اهل جمل را رها کن. گفت که والله لا اکون کالضبع. تنام علی اللیل. ضبع یعنی کفتار. بعد اینجا چه نوشته است؟ نوشته است که عرب‌ها قبلاً وقتی کفتار را صید می‌کردند، چه کار می‌کردند؟ می‌زنند برایش، می‌گویند بیا بیرون. گوشت زیاد و خیر زیاد هم هست. وقتی بیرون می‌آید، می‌گیرند آن

۱. قطب‌الدین بیهقی کیدری چنان‌که از نسبتش پیداست از مردم ناحیه بیهقی خراسان است که به‌ویژه در دوران زندگی او در قرن ششم، محیطی آکنده از باورهای شیعی بود. متأسفانه از زندگی وی، آگاهی چندانی در دست نیست و نام و مشخصاتش را با اختلاف ضبط کرده‌اند، ولی گویا نام صحیح او این است: ابوالحسن محمد بن حسین بن تاج‌الدین حسن بن زین‌الدین محمد بن حسین بن ابی‌المحکم بیهقی نیشابوری.

را. او چه نوشته است؟ خیر، یک نسخه هست خبز، نان. نوشته است بیا، گوشت زیاد و خبز زیاد. گفتم آقای فلانی، مگر من را دعوت کردی؟ گفتار که نان نمی‌خورد.

صد نسخه باشد. این قدر فضیلت باید داشته باشی که ببینی اینجا چه کلمه‌ای باید باشد. احیاناً کل نسخه‌ها اشتباه است. نسخه‌های قدیمی نداری و خودت باید این قدر فهم داشته باشی که بگویی احتمالاً از این کلمه تصحیف و تحریف شده است.

آگاهی از قوانین

پس اول، فضیلت و دوم هم قوانین. قانون تحقیق باید بدانم. یک دوره دوازده‌روزه که چطور تحقیق کنیم؟ از کجا شروع کنیم و به کجا منتهی بشویم و چگونه پاورقی بنویسیم و چگونه بفهمیم که این نسخه مال چه قرنی است؟ این را برای چه آوردم؟ برای اینکه خصوصیات نسخه‌ها را بگویم. پس، مطلب دوم این است که قوانین تحقیق را باید یاد بگیری. مثلاً می‌خواهی پاورقی بنویسی، روزنامه نویسی. با کلمات مختصر و رسا باید باشد. آیا اینجا تعلیق می‌خواهد یا نه؟ مثلاً آسامی که در کتاب می‌آید، همه باید در پاورقی معرفی باشد یا نه؟ این همه مکتب دارد. مثلاً مثل شیخ مفید را می‌خواهی بنویسی، محمد بن محمد بن نعمان الاکبری یا خودش شخصیت است؟ بعضی‌ها می‌گویند نمی‌خواهد. اینها که خیلی معروف هستند مثل ابن‌سینا و بوعلی سینا، نمی‌خواهد بنویسی. بعضی‌ها می‌گویند نه شما بنویس، چون این کتاب ممکن است به دست هر کسی بیفتد. شیخ مفید پیش ما معروف است. پیش مکتب‌های دیگر ممکن است معروف نباشد. این حرف‌ها یک مقدار صحیح است.

الان شخصیت‌های علوی مال سوریه یا حتی علمای زیدی، می‌مانم و نمی‌دانم کیست؟ پیش خودشان امام است و می‌شناسند؟

ولی در کتاب و پاورقی ننوشتند. پس چند تا روش هست. این را هم باید انسان یاد بگیرد. مسئولین محترم اگر بخواهند، یک دور اینجا انجام بدهیم. به نظر من ضروری است؛ چون خیلی‌ها فاضل هستند، یعنی پایه اول را دارند. اول را گفتیم فضیلت و دوم روش، فاضل است؛ اما روش بلد نیست. درس خارج می‌رود ولی می‌گوید این کتاب را برای ما درست کن. نمی‌داند چه شکلی است و علائمی که در نسخه استفاده می‌شود را نمی‌داند. پس این دومی است.

تجربه

سومی هم تجربه است. اینجا بستگی به سن انسان و چه قدر کارکرده؛ دارد. بین، آدم که مریض می‌شود؛ پیش دکتری که تازه مدرک گرفته می‌رود یا دکتر متخصص و پیرمرد؟ دنبال یک دکتری می‌روی که ۲۰ سال کارکشته عمل کرده باشد، مخصوصاً اگر مریضی سختی دارد.

تحقیق هم همین است. ممکن است شما طلبه اول در حوزه باشی و فضیلت را هم داری، قوانین را هم بلدی ولی چند تا کتاب تحقیق کردی؟ ما مؤسسه‌ای داریم به نام مرکز التراث الاسلامی، میراث‌فرهنگی اسلامی، وابسته به آستانه مقدس حضرت ابوالفضل، هیچ‌کس را استخدام نمی‌کنم، اگر سابقه کتاب چاپ کردن نداشته باشد. یعنی حتماً یک یا دو کار به من ارائه بده. از اول به او بخواهم یاد بدهم که نمی‌شود. تازه کار را می‌فرستم که درس بخوان و بعد بیاید. این سه را که داشته باشی، محقق برجسته می‌شوی.



ویژگی های نسخه نَفیس



بد نیست که این را به شما بگویم. وقتی می‌خواهیم تحقیق کنیم، دنبال نسخه‌های نفیس می‌رویم. نسخهٔ نفیس یعنی چه؟ در نهج‌البلاغه مثلاً سیصد نسخه دارد. این نفیس نیست؟ این را باید یاد بگیرید.

قدمت

نفاست به چند اعتبار است. یکی به قدمت نسخه، هر چه قدیمی‌تر و نزدیک به زمان مؤلف، فرض این است که کم‌خطا باشد. مثلاً یک کتاب در قرن چهار تألیف شده و نسخه‌ات مال قرن دهم است. ششصد سال، چند دست، نوشته شده است؟ هر کس هم می‌نویسد، اشتباه ممکن است بکند؛ چرا که معصوم که نیست. ضریب خطا بیشتر می‌شود. هر چه نزدیک‌تر بشود، خطایش کم‌تر می‌شود و مخصوصاً که نسخهٔ خط مؤلف باشد. در نهج‌البلاغه، ما این قدر داریم زحمت می‌کشیم، نسخهٔ نهج‌البلاغه به خط شریف رضی نداریم. اگر پیدا کنیم، ۹۹ درصد کار تمام است؛ چون ببینیم که خود شریف رضی، چطور نوشته است؟ زیروزیر، چطور ضبط کرده است؟ مثل قرآن است. مالک یا ملک یوم‌الدین؟ یطهرن یا یظهرن؟ نهج‌البلاغه هم مثل قرآن است. پس نسخه، هر چه قدیمی‌تر بهتر است. اگر خط مؤلف باشد که دیگر حرف اول را می‌زند. این یک نوع نفاست.

ضابط

نوع دیگر نفاست این است که ممکن است نسخه قدیمی نباشد؛ اما دست علامه مجلسی بوده است. ضبط علامهٔ مجلسی مثل ضبط هر کاتب نیست. آن علامهٔ مجلسی یا شریف رضی یا شریف مرتضی تعلیقه زده است؛ یا شیخ بهایی رضوان‌الله علیه، اینهایی که می‌گویم داریم. نسخه ممکن است مال ۴۰۰ سال پیش

باشد؛ اما چنین آدمی، دیده و تعلیقه زده یا اجازه‌روایی داده است. پس فقط قدمت نیست، ممکن است جدیدتر باشد؛ اما برای یک عالم بزرگ.

احیاناً، نسخه مال شاگرد مؤلف باشد. این هم بعد از خط مؤلف از لحاظ اعتبار می‌آید. بعضی وقت‌ها نسخه شاگرد بهتر از نسخه مؤلف است. خود مؤلف پیر است، خطش یک‌طوری است. مثل سید هاشم بحرانی رضوان‌الله علیه، یک کتاب دارد در ۹۰ سالگی نوشته است. چه توقعی داری؟ با آن سنش، با آن قلمش؛ نسخه‌هایی که شاگردانش نوشته‌اند، ضبطش بهتر است. بعضی نسخه‌ها، اجازه‌روایی دارد. معلوم است که این کتاب‌درسی است. چه‌طور الان ما صرف میر و شرح ابن ابی عقیل و شرائع الاسلام^۱ و لمعه می‌خوانیم؟ آن کتاب‌درسی است. دست که بوده است؟ مثلاً الان داریم کار می‌کنیم شرح کتاب تهذیب علامه را که عبد‌النبی الجزائری^۲ از علمای بزرگ نجف، تقریباً ۶ یا ۷ جلد است؛ الان یک نسخه پیدا کردیم. البته ببخشید. یک کتاب فقهی، مطالع الانوار^۳ شرح شرایع، یک نسخه، دو نسخه پیدا کردیم که میرزای قمی حاشیه زده است و تصحیح کرده است یا بیان کرده است. همین کتاب مطالع، جلد اولش ۶۰ تا نسخه پیدا کردیم. باید نسخه‌های نفیس را پیدا کنیم. از جمله نفاست،

۱. شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام مشهور به شرایع، کتابی در فقه فتوایی نوشته محقق حلّی (درگذشت ۷۶۶ق) فقیه برجسته قرن هفتم قمری. ویژگی مهم شرایع را آن دانسته‌اند که در آن، مسائل فقه در چهار چوبی منطقی و منظم ارائه شده است. در این کتاب، همه احکام شرعی در چهار بخش کلی عبادات، عقود، ایقاعات و احکام بیان شده است. مشهورترین شرح‌های شرایع عبارت است از: جواهر الکلام، مسالک‌الافهام و مدارک‌الاحکام.

۲. عبد‌النبی جزائری (درگذشت ۱۰۲۱ق) رجال‌شناس و عالم شیعه قرن یازدهم قمری است. او در تقسیم رجال‌شناسان به مؤسسان، تکمیل‌کنندگان، جمع‌آوری‌کنندگان و مُنقحان (محققان)، آغازگر منقحان شمرده شده است. دست‌بندی راویان در تقسیم چهارگانه حدیث (صحیح، مؤثّق، حسن و ضعیف) نیز، از ابتکارهای او است.

۳. مطالع الأنوار فی شرح شرائع الإسلام، که نام درست و کامل آن، «مطالع الأنوار المقتبسة من آثار الأئمة الأطهار» است، تالیف عالم شیعی، آیت‌الله سید محمدباقر شفتی‌گیلانی (متوفی ۱۲۶۰ق)، از جمله شروح عربی کتاب «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام» محقق حلّی (متوفی ۷۶۶ق) است.

حاشیه میرزا قمی [است]. پس معلوم است که این نسخه، تصحیح شده است.

زیبایی

یک نفاستی داریم که با ما محققین ربطی ندارد. نفاست زیبایی. یعنی خطاط، مثلاً ابن بواب^۱ یا طباطبائی هروی^۲، قرآن را در آستان دیدی؟ سال ۸۰۰ قرآن را خیلی قشنگ خطاطی کرده است. این نفیس است به اعتبار هنرش. یعنی الان اگر بروی آستانه، این قرآن را به تو نمی‌دهند. ثانیاً اگر بدهند، بالای سرت می‌ایستند. چون این هنری بودنش را از دست می‌دهد. بعضی از نسخه‌ها، خزائنی هستند. اهدا شده است به شاه‌عباس صفوی، اهدا شده به شاه اسماعیل، اهدا شده به شاه حسین صفوی، این نفاستش از این جهت شده است. بعضی نسخه‌ها هم نفیس هنری و هم نفیس محتوایی است. آن دیگر عالی است و کم‌گیر می‌آید. هم، خطش خوانا باشد و هم یکی از علما دیده و هم قدیمی است. این کم پیش می‌آید.

پس از بین همه این نسخه‌ها، اگر متن شسته‌ورفته توانستی در بیاوری [خوب است]. بعضی از وقت‌ها، هر نسخه، یک امتیازی دارد. یعنی نسخه جامع پیدا نمی‌کنی. یکی خط علامه مجلسی است؛ ولی زیروزبر ندارد. دومی زیروزبر دارد؛ ولی ناقص

۱. ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال مشهور به ابن بواب (درگذشت ۱۰۲۲ یا ۱۰۳۱ م در بغداد) ملقب به «قیله‌الکتاب» از معروفترین خوشنویسان در اوائل سده پنجم هجری/بازدهم میلادی در دوره خلفای عباسی و آل بویه است. او در خطوط مختلف به‌جامانده از ابن مقبله تصرفاتی کرد و قواعدی تازه در خوشنویسی به وجود آورد. ابن بواب به‌عنوان استاد زمان خود شناخته شد و شیوه‌ای که او در خوشنویسی پدید آورد تا حدود دویست سال تا هنگام حمله مغول بدون رقیب بود [۱] و قوانینی که برای خوشنویسی وضع کرد که به خط منسوب شهرت دارد او قواعد نوینی در خوشنویسی به وجود آورد و برای نخستین‌بار میزان سنجش حروف را تحت قاعده «نقطه» درآورد.

۲. (وف ۸۸۰ ق)، خطاط، نقاش و شاعر. در هرات به دنیا آمد. بدان جهت به او طباطبائی گفته‌اند که پدرش شغل آشپزی داشت و عبدالله در دکان پدر مشغول کار بود. اغلب تذکره‌نویسان او را در اقلام سته شاکرد جعفر تبریزی دانسته‌اند. در خط نستعلیق نیز مهارت داشت و در خط ثلث پیروی یاقوت می‌کرد. به قول مؤلف «گلستان هنر» وی در زرافشانی و وصالی نیز دست داشته و اکثر کتیبه‌های عمارات هرات، خصوصاً گزراگه و مشهد به خط اوست.

است. سومی قدیمی است؛ ولی موربانه یک مقداری اش را خورده است. آنجا باید تلفیقی کارکنی. یعنی چند نسخه را باید با هم ببینی. فی مانحن فیه، نهج البلاغه خوشبختانه، اکثر نسخش... این را قبلش بگویم. نهج البلاغه، کجا نوشته شده است؟ شریف رضی کجا بود؟ بغداد. بغداد پایتخت فرهنگی و... بود. در بغداد که نوشته شد، ادبای خراسان، راوند، لذا قطب راوندی کلی شرح می داد، نسخه می نوشت. به شاگردانش بیان می کرد. ادبای نیشابور، همین نسخه ابن نقیب، اینجا چه می بینید؟ کتابخانه مدرسه نواب. این بالا چیست؟ نقوش خاتم است. علی فص العقیق و هو خاتم الصلاه. چه نوشته است؟ لا اله الا الله. عده للقاء الله و علی فصی الفیروزی، فیروزه، و هو للحرب و هو فتح قریب و علی فص الیاقوت و هو للقضاء، الله الملك و علی عبده و علی فص الحدید، حدید چینی، و هو لحتمی یعنی تصحیفی شده. الان می بینیم در نسخه دیگر این هست.

لا اله الا الله، محمد رسول الله. ببینید. کتب استاذ الامام، ابویوسف الیعقوب، این هم خودش و هم پسرش نیشابوری است. حسن بن یعقوب هم نسخه نهج البلاغه... نهج البلاغه نوشته شده در بغداد، خیلی در نیشابور و در سبزوار و در راوند، در ایران و مخصوصاً در خراسان رشد کرده است. در قرن ۶ و ۷ حکومت زیدیها در یمن که برپا شد، خیلی از ادبا به یمن رفتند؛ لذا نسخه های نهج البلاغه، عموماً یا بغدادی است یا ایران و خصوصاً خراسان یا مال یمن است. این چهار نسخه، همین چهارتای اول است. دو نسخه اش مال ابن ثقون، حله؛ قرن ۷ و ۸ رونق پیدا کرد. چرا که حکومت شیعی آنجا پیدا شد، خیلی عنایت به نهج البلاغه پیدا کردند و بهترین و کامل ترین نسخه های نهج البلاغه، مال قرن ۷ و ۸ است. می دانید چرا؟ سال ۶۵۶

هجری، یعنی وسط قرن ۷، حکومت بنی عباس لعنت الله علیه سرنگون شد. شیعه‌ها نفس کشیدند؛ لذا بهترین نسخه، مثلاً آنی که من دارم، شانزدهمین نسخه نهج البلاغه را با دست خطش نوشته است. یعنی متخصص نوشتن نهج البلاغه بوده است. تا حدی نهج البلاغه معروف شد که در زندان می‌نوشتند. یا برای تبرک، ظاهراً نذر می‌کردند. خالی از فائده نباشد، اولین کسی که شرح نهج البلاغه نوشته کیست؟ اولین کس، سنی است. الامام الوبری. اگر کسی آن را پیدا کند، تحفه است؛ ظاهراً صوفی مشرب بوده و دشمنی با اهل بیت نداشته است. از او نقل می‌کنند.





نکات کاربردی بررسی نسخ



کتاب معارج نهج البلاغه و نسخه‌های دیگر در هامش نقل می‌کنند که قال امام الوبری، وقتی نقل می‌کنند می‌فهمیم که دستشان بوده است. یک صفحه قبلش را ببینید. این ملحق به نهج البلاغه است.

معنای ابن نقیب

تم کتاب نهج البلاغه، صادف الفراغ من کتبتہ صاحبہ محمد بن محمد بن احمد بن نقیب. نقیب یعنی چه؟ چطور الان دادگاه و ویژه روحانیت داریم؟ سادات را نمی‌گذاشتند در دادگاه، هر کس هر کس زندانشان کنند. یک سید عالم بزرگ، از آل ابی طالب، خودش عقاب می‌کند، اجرای حدود می‌کند، نصیحت می‌کند. او را نقیب می‌گویند. مثلاً شریف رضی، خودش نقیب بوده است. برادرش، شریف مرتضی، نقیب الاشراف، نقیب علویین بوده است. پدرشان ابو احمد النقیب به او می‌گویند. این نقابت به هر کس هر کس، نمی‌دهند. پس وقتی می‌گویند نقیب یعنی آدم فاضلی است. آدم عالم است.

مدل نقطه‌گذاری

قدما زیر را نقطه می‌گذارند و مشخص می‌شود که ز نباشد. السان زوار، همین سبزواری است. این یک فایده. قبلاً در آن قرن به سبزواری، سان زوار می‌گفتند. بعد، مصلیا علی نبیه محمد و آله الطاهیرین الاخیار. معلوم شد که نویسنده سبزواری و شیعه است؛ چرا که سنی‌ها معمولاً و صحبه و سلم دارند. اصحاب را هم وسط می‌آورند. پس بین، تم نهج البلاغه. ببینید چقدر دقیق است. تاریخش، ۵۴۴ است. اواسط قرن ۶ است و در ماه صفر است. زیر سین، سه نقطه می‌گذارند که شین نخوانی. عده را نگاه کن. زیر دال هم نقطه می‌گذارد. قریب را نگاه کن. زیر نقطه می‌گذارد. این

از ویژگی‌های قرن ۵ و ۶ است. زیر سین هم سه نقطه که شین نخوانی.

وقتی در وادی تحقیق می‌روی و می‌بینی این، دوبه‌لو است، می‌فهمی چه می‌گوییم. وقتی زیرش یک نقطه می‌بینی، دیگر راحت می‌فهمی که این ر، ز نیست. زیر ح هم ح کوچک می‌گذارند که جیم نخوانی. پس بین، این نقوش خواتیم چیست؟ ملحق به نسخه نهج‌البلاغه است و خود متن نیست.

زیر عین، عین کوچک است. عین کوچک که غین و ح نخوانی؛ وقتی می‌چسبد، رشد، سه نقطه بالا، صدد سه نقطه پایین. پس این الان، خواتم ملحق به نهج‌البلاغه است.

ببینید این نسخه [دیگر] نوعاً متأخر است؛ ولی چرا از آن استفاده کردم؟ اضافاتی دارد که در نسخه‌های دیگر نیست. خواتیم امیرالمؤمنین. آن جا چه چیزی را نتوانستیم بخوانیم؟ لخته و هو لخته، آنجا نقطه نبود. ببینید اینجا چه کار کرده است؟ خواتیم را جزو نهج‌البلاغه کرده است. انتهت الغایه، تا اینجا قال سید الرضی، هذا انتهاء الغایه. تا این جا، کتاب تمام شد. این یک امتیازش است که خود خواتیم ملحق نیست و با خود نهج‌البلاغه است. این اختلافات از کجا می‌آید؟

سؤال: بحث تاریخی‌اش چه می‌شود؟

این اقراء شده است. پیش استاد خوانده شده است. بلغ یعنی خواندیم و تا آنجا با استاد است. شریف رضی، سال ۴۰۰ نهج‌البلاغه را تمام کرد و سال ۴۰۶ از دنیا رفت. خودش در مقدمه نهج‌البلاغه گفته است که من در هر فصلی، چند تا کاغذ خالی و سفید می‌گذارم که اگر چیزی پیدا کردم؛ ملحق کنم. پس این ممکن است که از آن چیزهایی باشد که خود شریف رضی ملحق کرده است. الان در نسخه‌های موجود، هیچ کدامش این نیست چرا که

در اکثر نسخ، ملحق است. کما شرحنا اولاً علی تفصیل، اینجا تفصیل است. نسخه‌های دیگر تفصیل [است]. اوراق من البیاض، فی آخر کل باب. آخر هر باب چند تا کاغذ، لثکون الاقتناف، نسخه دیگر، لاختصاص، یعنی پشت سر دنبال کردن و ذلک فی رجب من سنه اربع مائه. این سال نسخه نیست. سال انتهای شریف رضی از کتابت نهج البلاغه است. نسخه‌ای را پول دادند و گفتند که این قدیمی‌ترین نسخه است، غافل از اینکه کاتب دارد نقل می‌کند آنچه که نسخه اصل شریف رضی است.

پس ببینید این چقدر زیباست. ببینید این خطش، متأخر است. خطش مثل خط امروزی است. آن مال قرن ۷ و ۸ است. از این ویژگی‌ها باید بفهمید. بعضی نسخه تاریخ ندارد. آنجا چه کار می‌کنید؟ از کاغذش، از شکل کتابت حرف، از شکلی که تعلیقه می‌زنند؛ از شکل سه نقطه و... لام‌هایش را نگاه کنید. القال را نگاه کنید. مثل خط ماست. درست است؟ الان زحمت بکشید نسخه لام [را بیاورید].

این روایت است. در این کتاب، این نسخه، اصل است و حرف اول را می‌زند. چه می‌گوید؟ روایت الحافظ، ابی علی بن ابی جعفر طوسی. ابی علی، پسر شیخ طوسی، دو، روایت از شیخ المفید ابی الوفاء عبدالجبار، المقری الراضی، سه، روایت السید ابی الرضا الراوندی. ببینید مال راوندی است. فضل‌الله بن عبیدالله الحسنی الراوندی. همه اینها را باید دقت کنید که اینها مال راوند و مال سبزوار است. این، ابن شهرآشوب است. رشیدالدین، ابی جعفر السروی المازندرانی. روایت النقیب الطاهر، جمال‌الدین حیدر بن محمد بن زید الحسنی. ایشان، ترجمه‌اش را خیلی پیدا نکردم. نوشته است قرن ششم. تازگی‌ها در نسخه‌های دیگر فهمیدم که کیست. آن هم نقیب است و خیلی ضابط است.

سؤال: خطش به قرن چندم می‌خورد؟
 استاد: قرن هفت. زیباست و این نسخه تحفه است. کتاب در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی است. برویم نسخه بدل ببینیم. ثم وجد بعد ذلك في رواية اخرى موضوعا غير موضعه، نسخه بدل چیست؟ وضعه خ. خ یعنی نسخه بدل. یعنی در نسخه دیگر به جای کلمه موضعه، وضعه است. به جای فتقضى، فتفضى است.

بررسی خطبه شقشقیه در نسخ مختلف

خطبه شقشقیه را بیاورید. خطبه سوم است. و من خطبته عليه السلام المعروف بالشقشقیه. اینجا یک اشتباه دارد. اگر گفتید چیست؟ اشتباه ضبط کرده است. ش درحالی که شقشقیه است. کل نسخ به شقشقیه ضبط کردند. شقشقه چیست؟ اصل شقشقه این است که وقتی شتر عصبانی می‌شود، هیجان می‌کند. یک تف اندازه کره، از دهانش بیرون می‌اندازد و بعد آرام می‌شود. امیرالمؤمنین وقتی به آخر خطبه رسید؛ یکی از کشاورزان نامه داد. گفت یا علی، جوابم را بده. عبدالله بن عباس گفت: یا علی ادامه بده. فرمود: هیهات یا بن عباس. انھا شقشقه هدرت. بغض را در دلم ریختم. و المقمصه، چرا می‌گویند قمص، مقصمه؟ اما و الله لقد تقمصها. به اعتبار آخر، می‌شود شقشقه، به اعتبار اول... لقد تقمصها فلان. آیت‌الله خامنه ای خدا حفظش کند، یک نسخه به آستانه اهدا کرد و در متنش، اما و الله لقد تقمصها ابن ابی قحافه. اینجا چند تا روایت داریم. اینجا هنرت است که باید ترجیح بدهی که کدامش، بلیغ‌تر است! یا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا. چرا آنجا قرآن کنایه کرد؟ خب می‌گفت یا لیتنی ابابکر خلیلا. اینجا هم حضرت کنایه می‌کند که آدم هزار تا فکر و خیال می‌کند که این فلان کیست؟ بعضی از روایت‌ها هم گفتند لقد

تقصمها ابن ابی قحافه. بعضی روایات هم می‌گویند والله لقد تقمصها ابوبکر و انه لیعلم ان محلی، این را تخفیف داده است. محلی گفته است. نسخه‌های دیگر بدون تخفیف است. محلی گفته اند. محل القطب من الریح، اینجا شرح می‌کند. این همه را باید بخوانی.

یک نسخه دیگر ببینیم. این ۶۲۴ مقابله شده است و دوباره ۶۲۶ مقابله دوم شده است؛ لذا این قدر تمیز و شسته‌رفته است. این تا الان، قدیمی‌ترین نسخه از نهج البلاغه در دنیا شناخته شده است. کاتبش ابن مؤدب است. کیست؟ کسی که اولاد علما و اولاد خلفا را تدریس می‌کند. پس آن هم یعنی با فرهنگ. عالم است؛ چون هر کس هر کس را نمی‌آورند. اولش با خط متأخر است. معمولاً متأسفانه نسخه‌های قدیمی، اول و آخرهایش بیشتر ضرر می‌خورد.

و انه یعلم ان محلی، فتحه ندارد، کسره هم گذاشته است. محل القطب من الریح. ببینید این با الف نوشته شده است. الریح، صحیح‌تر است یا آنی که با الف است؟ الریح را باید به لغت بروی. هم یائی است و هم واوی است. هم می‌گویند رحوان و هم می‌گویند ریحان ولی همان جا نیز می‌گویند که با یاء اعلی است. پس جهت لغوی نیز مؤثر است. شما که محقق پخته و برجسته باشی، باید چند جنبه را در نظر بگیری.

این مال قرن ۵ است. ۴۹۶ یا ۶۹ است. کتابتش را ببینید. شکل لام، شکل سین را ببینید. این زیر سین، چیزی نمی‌گذارد. آن واژه‌های قرن ۶ و ۷ بود. قرائن جمع می‌کنیم. و فرغ من نقله من اوله الی هذا الموضع الحسین من الحسن من الحسین المؤدب فی شهر ذی القعدة سنه و تسعین و ستین و اربع مائه. الحمد لله رب العالمین و صلواته علی نبیه محمد و آله الطاهرین، این هم

شیعه است و به تحقیق من رسیدم که نسخه گلبایگانی که الان دیدید؛ ناظر به این نسخه بود و ۹۰ درصد اختلافات را آورده است.

سؤال: چرا عمودی نوشته است؟

استاد: چون جا نیست. همین طوری نوشته است. خله رائعه شرحش می کند. بعضی وقتها خیلی دقت کنید. اینجایی که به عنوان نسخه، خ می نویسد؛ آسان است. شرح می کند و داخل شرح می گوید و گاهی به روایت دیگر می گوید. این، نسخه فخرالدین نصیری است. این را تازه آوردند. فقط ۳ میلیون دادم که عکسش را بدهند.

سؤال: اینها را از کجا می توان پیدا کرد؟

استاد: ان شاء الله وقتی محقق می شوی؛ سوراخ سنبه هایش را یاد می گیری. این از کتابخانه فخرالدین نصیری در تهران است. فخرالدین نصیری معروف است که نسخه های خوب دارد. نسخه های خوبی دارد. این نسخه به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی فروخته شده است. در فهرست جا داده نشده است. قرار است ۱۰ نسخه کار کنم. تا الان ۴ نسخه کار کردم و با نسخه آتف افندی، تا دیروز ۸ تا تمام کردیم. دو تای دیگر باید تحقیق کنم. این نسخه قدیمی است.

مثلاً فهمیدیم به طریقی که این در کتابخانه آیت الله مرعشی است؛ اما هنوز در فهرست نیامده است که درخواست رسمی بدهیم؛ یک مقدار پول می دهیم تا به ما بدهند.

این را تا الان کار نکردم. این خیلی قدیمی است. این نسخه نهم هست که می خواهم کار کنم. مثل آن نسخه ابن مؤدب هست و ردیف آن است. متأسفانه تاریخش نوشته نشده است. در تحقیق، گاهی تاریخش نوشته نمی شود؛ اما گاهی در هامش می بینی.

یک تعلیقه‌ای ممکن است سرنخی بدهد که متوجه تاریخش بشویم. این خواندندش یک مقدار چشم را اذیت می‌کند. خیلی باید دقیق خوانده شود. خطبه شقشقیه را بیاورید. الرحی را در اینجا درست‌تر نوشته است. این هم حواشی دارد. این را باید بخوانی و غیر از نسخه‌های بدل، باید ببینی که در حاشیه حرفی از نسخه در آن نباشد.

تا محقق کامل بشوی، تمام غموض نسخه‌ها و قرونش را بفهمی، ۱۰ سال طول می‌کشد. حالا من همین‌طور حاضر و آماده می‌گویم که این الرحی بهتر از آن الرحا است. چقدر باید بگردی که متوجه بشوی کدامش اعلی است. من از ۱۹۸۲ میلادی تا الان کار می‌کنم. حدود ۴۰ سال است.

سؤال: از چند سالگی شروع کردید؟

استاد: ما درس طلبگی که می‌خواندیم، خودم علاقه داشتم. برادرم در دانشگاه رضوی و استادم حاج آقای استوانی ما را وادار کردند که این نسخه را تحقیق کن و... استاد فاروغ که استاد دانشگاه است، یک مؤسسه گرفت؛ یک مؤسسه مال حاج آقای مروارید، انقلاب شیعه است. کل کتاب‌های فقهی و اصولی است. گفت من مسئولش شدم و از آن سر در نمی‌آورم. گفتم درس می‌خوانم. گفت هر چه قدر می‌توانی. از آنجا، او به من، اصول تحقیق را یاد داد.

این نسخه هم زیر شین و دال و... نقطه نمی‌گذارد. این از شکل خطش و از کاغذش، یقیناً قرن ۵ است. مثل نسخه مرعشی است که گفتم قدیمی‌ترین نسخه است. شاید وسطش چیزی پیدا کنیم که تاریخش باشد.

یک نسخه دیگر هم ببینیم. این مال شهرستانی است. این هم تحقیق شده است. اینجا اشتباه کرده است. هذّه النسخه مکتوبه

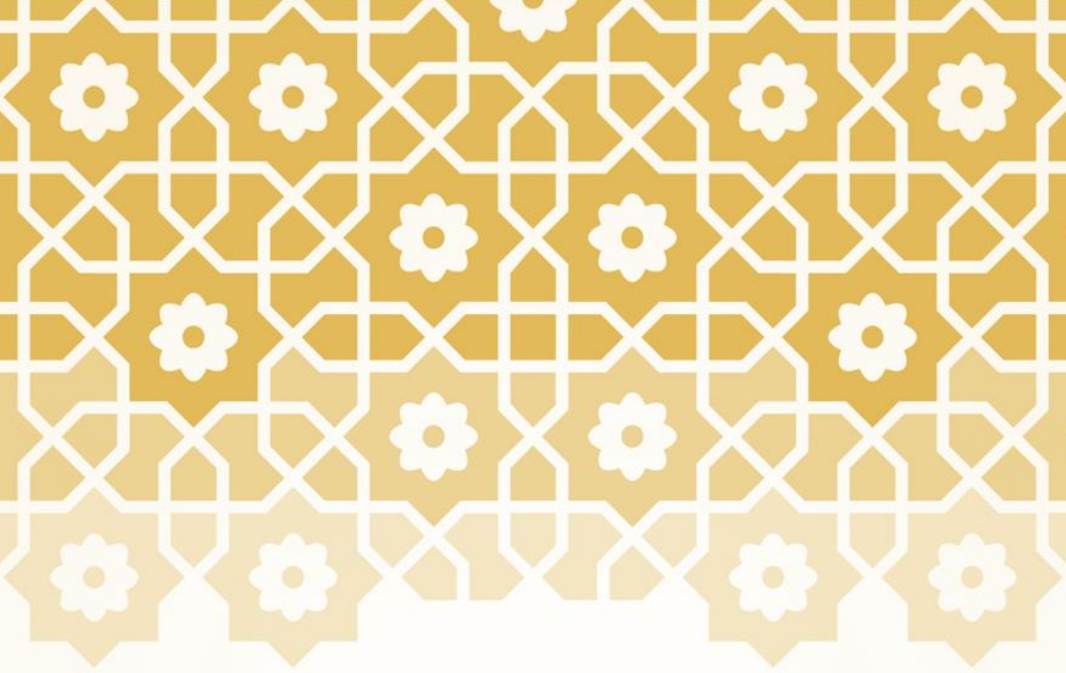
فی رجب سنه اربع مائه. اشتباه کرده است. این، وفات شریف رضی است، نه تاریخ. این خودش برایش فهرست درست کرده است. این جدید است.

شقشقیه را بیاورید. اما والله لقد تقمصها، این روایت سوم ابن ابی فلان است. اینجا کنایه در اسم پدر است. ان محلی، این هم فتحه دارد. رحی را ببینید چطور نوشته است. اصبر علی تخیه یا تخیه؟ خوب بخوانید. اولین مرحله، باید نسخه‌خوانی داشته باشید. معاً دارد. هم تخیه و هم تخیه می‌شود. برخی نسخه‌ها هست که تخیه می‌گوید. سه‌وجهی است. یک علامت با خط قرمز گذاشته است و به جای و یشب، و یشیب گذاشته است.

ببینید، لکنی ان اصف، نسخه قرمز چیست؟ اذا صفوا. سه نقطه هم گذاشته که اشتباه نکنی با اینکه نسخه قدیمی زیر سین می‌گذارد، زیر طاء هم می‌گذارد، زیر صاد هم می‌گذارد، زیر ر هم می‌گذارد و لذا این نسخه اش، خیلی دقیق است. فقط یک عیبی دارد. این قرمز، خیلی اذیت‌مان کرده است که این نسخه، علامت است یا از آن صفحه آمده است. از کاغذ سمرقندی استفاده کردند. کاغذ سمرقندی، پنبه زیاد در آن است و وقتی می‌نویسی آن روی دیگر سرایت می‌کند. این خیلی اذیت‌مان کرد. این از اول تا آخر، با نسخه دیگر مقابله شده و با قرمز نوشته شده است. یک نسخه‌هایی را خودش با سیاه می‌نویسد. در اینجا رمز دادم؛ چون نمی‌شود مدام بگوییم نوشته با خط قرمز، نوشته با خط قرمز؛ این نسخه، چون مال شهرستانی است، رمزش را شین گذاشتیم و ح، احمر، شح نوشتیم. الان نسخه، ولکنهم حلیت، نسخه دیگر احوالت و به جای ولکنهم، ولکن [نوشته است]. این همه نسخه‌ها، مال خود شین است. اگر با قرمز باشد، نسخه دیگر، شح است.

و صل الله علی محمد و آله الطاهرين.
این تا الان بهترین نسخه‌های نهج البلاغه و نفیس با اعتبارات
مختلف بوده است؛ ولی ما بیشتر به محتوا باید اهتمام داشته
باشیم. حاشیه و ضبطش، زیر و زبرش؛ چرا که الان نسخه‌هایی
هست، گفتم ۳۰۰ تا نسخه که زیر وزیر ندارد. به درد ما به عنوان
طلبه که می‌خواهیم ضبط نهج البلاغه بکنیم، زیر وزیر نهج البلاغه
به درد ما نمی‌خورد.





سؤالات



سؤال: نسبت به کتاب‌هایی که خارج از کشور و در کشورهای اروپایی است چه کار کنیم؟

استاد: سؤال خوبی است. یکی از مشکلات تحقیق، همین نسخه‌های در خارج است. در ایام جنگ‌ها که اتفاق می‌افتد، بهترین نسخه‌های یمن را در خارج می‌بینی. سوءاستفاده می‌کنند و چند نفر را می‌فرستند و چون مردم گرسنه هستند؛ مثلاً می‌گویند ۵۰۰ دلار می‌دهد و می‌گویند این نسخه را بده. او هم نمی‌داند. بعد از سرنگونی حکومت‌های شیعه، کل نسخه‌ها را می‌فروشدند تا زندگی کنند.

اروپایی‌ها، چند تا کتاب من دیدم، نسخه‌های مال قرن ۷، در آمریانا هست. نسخه‌ای که از روی آن نوشته شده است و خراب است؛ دو تا اش در یمن هست و خیلی از نسخه‌ها مثل تاریخ یعقوبی [همین‌طور است].

عراق همین‌الان که جنگ داخلی شد، می‌دانید که ۲۰ سال کم‌وبیش، تحریم اقتصادی بود؛ یک نفر تاجر می‌خرد و از اسرائیل و از ایتالیا سر در می‌آورد. پول می‌دهد. برخی‌ها نابود می‌کند. عربستان نسخه‌های شیعی می‌خرد و نابود می‌کند. یک نسخه من دیدم. نسخه کتاب صفین، مال ابراهیم صاحب غارات است. زیدی بود و بعد شیعه اثناعشری شد. صاحب الغارات، نسخه‌ای از کتاب صفین، در فهرست عربستان هم آمده است. وقتی فرستادم، چند تا عربستانی گفتند که ما چنین نسخه‌ای را اصلاً نداریم. معمولاً می‌سوزانند یا برای خودشان نگه می‌دارند.

یکی از مشکلات همین است که از شرایط ما سوءاستفاده می‌کنند و با ثمن بخرند. همین کتاب صفین، مال یک مؤلف قدیمی است. تاریخش ۶۲۰ یا ۶۴۰ است. از آمریانا در ایتالیا می‌خواستیم بگیریم؛ برای عکسش ۴۰۰۰ هزار یورو که می‌شود

۵۰۰۰ هزار دلار پول می‌خواهند. برای عکس و سی‌دی‌اش می‌خواهند؛ اما خودشان با ۱۰۰ دلار یا ۲۰۰ دلار خریده بودند. الان رهبر، با تمام این مشاغلش، شما در آستانه ببینید. بودجه‌ باز برای خرید میراث فرهنگی شیعه گذاشته است. هر چه نسخه میراث فرهنگی شیعه است؛ بیاورید. نهج البلاغه از بهترین نسخه‌هایش، هدایای خود رهبر است. فراموش کردم عکسش را بگیرم. خودشان با خط مبارکشان نوشته‌اند که من نسخه‌شناس نیستم اما می‌بینم که این نسخه... و واقعاً هم نسخه نفیسی است؛ ولی ما نباید متوقف بشویم. آن‌ها دزدی‌های خودشان را می‌کنند و خدا به ما برکت می‌دهد. با همانی که موجود است کار کنید. اگر جدی باشی، کمکت می‌کنند.

همین هزار دلار از کجا می‌خواستم بیاورم؟ یک نفر را که گفتم، دو روز بعد گفت بیا هزار دلار را بگیر. منظورم این است که اگر جدی باشی و طلبه فاضل باشی، تو را می‌شناسند. من خودم، خیلی از رفقا بدون مقابل نسخه‌ام را می‌دهند. اصلاً خودشان که می‌دانند تخصص در نهج البلاغه دارم؛ خودشان نسخه‌ها را می‌فرستند.

روزی یک ساعت کار می‌کنم؛ ولی به نظرم کسی که می‌خواهد محقق بشود یا حداقل بفهمد که چطور، پاورقی بنویسد؛ خود پاورقی نوشتن هم هنر است.

سؤال: خیلی‌ها در این نسخه خطی وارد نمی‌شوند.

استاد: درس خواندن مگر مشکل نیست؟ فقه و اصول مشکل نیست؟ فقه و اصول، استصحاب را شش ماه می‌خواندیم که پدرمان در می‌آمد. لفظ فی معنا یا معنا فی لفظ، سخت نیست؟ علم بدون سختی نمی‌شود.

سؤال: در مؤسسه خودتان، این دوره برگزار می‌شود؟

استاد: اگر می‌خواهید ما در خدمت هستیم. اگر درخواست کنید و تعداد قابل قبول دارید؛ ما هم در خدمت هستیم.

سؤال: چند نفر حدنصاب است؟

استاد: ۲۰ نفر. یکی یک روز مریض است و نمی‌آید. یکی دیر می‌آید. با ۵ نفر نمی‌شود. البته ما هم اعلام می‌کنیم. آن دفعه که اعلام کردیم؛ ۷۰ نفر آمدند. مجبور شدیم که دو تا دوره کنیم.

سؤال: از این ۷۰ نفر، چند نفر برای ادامه همکاری پذیرش شدند؟

استاد: به ما خیلی ربطی ندارد؛ ولی حدود ۳ نفر آمدند. خیلی‌ها هم، کار می‌کنند. مشکلات زندگی است. یکی خیلی همت داشت و تلاش می‌کرد؛ اما پدرش مریض بود. نتوانست. بعضی‌ها ۵ یا ۶ تا بچه دارد، نمی‌رسد. می‌گوید منبر بهتر است. تحقیق آن قدر نان ندارد.

یا علی.